

بررسی رابطه بین تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت: نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره

عارفه محقق

استادیار گروه حسابداری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول).

Mohaghegh.Arefeh@gmail.com

ابوالفضل فتوحی پور مهریزی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

accfotoohi@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش تعدیل کننده استقلال هیئت مدیره است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی و از نوع پس‌رویدادی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ است. با اعمال محدودیت‌هایی از قبیل یکسان بودن سال مالی، تداوم حضور شرکت‌ها در بورس، در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز پژوهش و حذف شرکت‌های فعال در صنعت بانکداری، بیمه و واسطه‌گری مالی، تعداد ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند که در مجموع ۱۰۵۰ مشاهده شرکت-سال را تشکیل دادند. داده‌های پژوهش از صورت‌های مالی و گزارش‌های منتشر شده شرکت‌ها گردآوری و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که تقلب در گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد؛ به گونه‌ای که افزایش احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی موجب کاهش بازده دارایی‌ها می‌شود. همچنین، نتایج بیانگر آن است که استقلال هیئت مدیره نقش تعدیل کننده مثبت و معناداری در این رابطه ایفا می‌کند؛ به این معنا که افزایش استقلال هیئت مدیره، شدت اثر منفی تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد مالی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی، به ویژه افزایش استقلال هیئت مدیره، می‌تواند از طریق ارتقای کیفیت نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی، کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران و افزایش شفافیت اطلاعات مالی، به بهبود عملکرد شرکت‌ها کمک کند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای مدیران، سرمایه‌گذاران، حسابرسان، نهادهای ناظر و تدوین کنندگان مقررات حاکمیت شرکتی در جهت تقویت سازوکارهای نظارتی، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی، کاهش تقلب و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه مفید و کاربردی باشد.

واژگان کلیدی: تقلب در گزارشگری مالی، عملکرد مالی، استقلال هیئت مدیره، حاکمیت شرکتی.

مقدمه

تقلب در حسابداری در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین تهدیدها برای تداوم فعالیت، مشروعیت سازمانی و عملکرد شرکت‌ها تبدیل شده است، زیرا افشای آن نه فقط زیان مالی مستقیم ایجاد می‌کند، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران، اعتبار شرکت و برداشت بازار از کیفیت حاکمیت شرکتی را نیز به شدت تضعیف می‌کند. به همین دلیل، تقلب در گزارشگری

مالی دیگر صرفاً یک مسئله تخلف داخلی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان پدیده‌ای اثرگذار بر ارزش‌گذاری بازار و آینده اقتصادی بنگاه شناخته می‌شود (رن و همکاران، ۲۰۲۲؛ ارراگراگویی و همکاران، ۲۰۲۳).

اهمیت این موضوع از آنجا بیشتر می‌شود که تقلب در گزارشگری مالی می‌تواند در اشکال مختلفی مانند تحریف گزارش‌های مالی، پنهان‌سازی اطلاعات بااهمیت، دستکاری افشا، سوءاستفاده از دارایی‌ها و سایر رفتارهای غیراخلاقی سازمانی بروز یابد. این تنوع در اشکال تقلب نشان می‌دهد که مسئله مورد بحث محدود به یک نوع صنعت یا یک ساختار خاص سازمانی نیست، بلکه یک ریسک فراگیر در محیط کسب‌وکار محسوب می‌شود که آثار آن می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد شرکت منعکس شود (رن و همکاران، ۲۰۲۲؛ کولین و همکاران، ۲۰۲۳).

در ادبیات جدید، تقلب در گزارشگری مالی بیش از آنکه صرفاً به‌عنوان یک انحراف قانونی یا اخلاقی تحلیل شود، به‌عنوان یک سیگنال منفی برای بازار در نظر گرفته می‌شود؛ سیگنالی که به ذی‌نفعان اعلام می‌کند در سازوکارهای نظارتی، شفافیت اطلاعاتی یا سلامت تصمیم‌گیری شرکت نوعی ضعف وجود دارد. بر این اساس، بازار سرمایه افشای تقلب را تنها یک خبر منفرد تلقی نمی‌کند، بلکه آن را نشانه‌ای از افزایش ریسک و کاهش قابلیت اتکای شرکت در آینده می‌داند (کانلی و همکاران، ۲۰۲۴؛ رن و همکاران، ۲۰۲۲).

وقتی تقلب در گزارشگری مالی افشا می‌شود، سرمایه‌گذاران معمولاً برداشت خود از کیفیت شرکت را بازنگری می‌کنند و این بازنگری اغلب در قالب کاهش ارزش بازار، افت بازده و واکنش منفی به قیمت سهام ظاهر می‌شود. بنابراین، رابطه میان تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد شرکت را نمی‌توان صرفاً در چارچوب نتایج گزارشگری مالی بررسی کرد، بلکه باید آن را در بستر واکنش بازار و تفسیر سرمایه‌گذاران از رویداد نیز فهمید؛ زیرا عملکرد شرکت در عمل به نحوه برداشت بازار از کیفیت و آینده آن وابسته است (کولین و همکاران، ۲۰۲۳؛ ارراگراگویی و همکاران، ۲۰۲۳).

پژوهش‌های جدید همچنین نشان داده‌اند که شدت واکنش بازار به سوءرفتارهای مالی در همه شرکت‌ها یکسان نیست. برخی بنگاه‌ها پس از افشای تقلب در گزارشگری مالی با افت شدید ارزش و کاهش اعتماد مواجه می‌شوند، در حالی که برخی دیگر آسیب محدودتری را تجربه می‌کنند. این تفاوت بیانگر آن است که خودِ تقلب به‌تنهایی برای توضیح پیامدهای عملکردی کافی نیست و لازم است متغیرهای زمینه‌ای و ساختاری نیز در تحلیل وارد شوند (کولین و همکاران، ۲۰۲۳؛ کانلی و همکاران، ۲۰۲۴).

در همین راستا، یکی از مهم‌ترین متغیرهای ساختاری که می‌تواند بر شدت اثر منفی تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد شرکت اثر بگذارد، استقلال هیئت‌مدیره است. استقلال هیئت‌مدیره به این معناست که بخشی از اعضای هیئت‌مدیره خارج از مدیریت اجرایی شرکت قرار دارند و از وابستگی مستقیم به مدیران عملیاتی برخوردار نیستند؛ بنابراین انتظار می‌رود که توان بیشتری برای نظارت بی‌طرفانه، ارزیابی تصمیمات مدیریتی و صیانت از منافع سهام‌داران داشته باشند (اوگستر و همکاران، ۲۰۲۴؛ الامر و بولهاگا، ۲۰۲۴).

ادبیات جدید حاکمیت شرکتی تأکید می‌کند که سازوکارهای حاکمیت داخلی، از جمله استقلال هیئت‌مدیره، نه تنها در پیشگیری از رفتارهای متقلبانه اهمیت دارند، بلکه در مدیریت پیامدهای ناشی از افشای این رفتارها نیز نقش‌آفرین هستند. به بیان دیگر، اگر تقلب در گزارشگری مالی یک علامت منفی برای بازار باشد، ساختار حاکمیتی قوی می‌تواند به‌عنوان علامتی مثبت عمل کرده و بخشی از بدبینی ناشی از آن را خنثی کند (اوگستر و همکاران، ۲۰۲۴؛ کانلی و همکاران، ۲۰۲۴).

از منظر نظریه علامت‌دهی در خوانش‌های جدید، شرکت‌ها از طریق ساختارهای راهبری خود درباره کیفیت نظارت، شفافیت و قابلیت پاسخ‌گویی به بازار پیام می‌فرستند. در این چارچوب، استقلال هیئت‌مدیره به‌عنوان یک علامت مثبت تعبیر می‌شود، زیرا می‌تواند نشان دهد که شرکت از ظرفیت نظارتی و اصلاحی بیشتری برخوردار است. بنابراین،

سرمایه‌گذاران ممکن است در مواجهه با تقلب در گزارشگری مالی، شرکت‌هایی را که هیئت‌مدیره مستقل‌تری دارند، با شدت کمتری تنبیه کنند (کانلی و همکاران، ۲۰۲۴؛ رن و همکاران، ۲۰۲۲).

این موضوع به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که همه تقلب‌ها لزوماً به یک شکل تفسیر نمی‌شوند. در برخی موارد، بازار ممکن است افشای تقلب در گزارشگری مالی را نشانه‌ای از فروپاشی ساختاری در کنترل داخلی بداند، اما در برخی دیگر، به‌ویژه زمانی که سازوکارهای نظارتی قوی‌تر هستند، این رویداد را نشانه‌ای از کشف و اصلاح به‌موقع تلقی کند. بنابراین، استقلال هیئت‌مدیره می‌تواند کیفیت تفسیر بازار از تقلب را تغییر دهد و همین امر عملکرد شرکت را پس از افشای رویداد تحت تأثیر قرار دهد (کولین و همکاران، ۲۰۲۳؛ کانلی و همکاران، ۲۰۲۴).

پژوهش حاضر از این منظر مهم است که به‌جای نگاه ساده و خطی به رابطه تقلب در حسابداری و عملکرد، بر پیچیدگی این رابطه تأکید دارد. در واقع، این احتمال مطرح است که اثر منفی تقلب در حسابداری بر عملکرد شرکت بسته به کیفیت حاکمیت شرکتی، شدت متفاوتی داشته باشد. این رویکرد از نظر تحلیلی ارزشمند است، زیرا نشان می‌دهد که پیامدهای یک رویداد منفی سازمانی همواره در خلأ اتفاق نمی‌افتد، بلکه تحت تأثیر شرایط ساختاری شرکت شکل می‌گیرد (رن و همکاران، ۲۰۲۲؛ اوگستر و همکاران، ۲۰۲۴).

از سوی دیگر، مطالعات جدید درباره سوءرفتار مالی نشان داده‌اند که ویژگی‌های خود رفتار متقلبانه نیز بر واکنش بازار اثر دارند، اما این توضیح به‌تنهایی کافی نیست. حتی اگر نوع و شدت تخلف مشابه باشد، باز هم شرکت‌ها بسته به ساختار حاکمیتی، میزان شفافیت و کیفیت نظارت داخلی، واکنش‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند. از این رو، واردکردن متغیر استقلال هیئت‌مدیره به مدل تحلیلی، تلاشی برای توضیح همین تفاوت‌های بین‌شرکتی است (کولین و همکاران، ۲۰۲۳؛ ارراگرایی و همکاران، ۲۰۲۳).

استقلال هیئت‌مدیره در ادبیات جدید تنها یک ویژگی صوری یا قانونی تلقی نمی‌شود، بلکه نشانه‌ای از ظرفیت واقعی شرکت برای مهار رفتارهای فرصت‌طلبانه و افزایش پاسخ‌گویی مدیریت است. هرچه تعداد یا نفوذ مدیران مستقل بیشتر باشد، انتظار می‌رود امکان به چالش کشیدن تصمیمات غیرشفاف، مطالبه اطلاعات دقیق‌تر و تقویت کنترل‌های داخلی بیشتر شود. در نتیجه، این سازوکار می‌تواند هم احتمال استمرار تقلب در گزارشگری مالی را کاهش دهد و هم از شدت آسیب ناشی از افشای آن بکاهد (اوگستر و همکاران، ۲۰۲۴؛ الامر و بولهاگا، ۲۰۲۴).

با وجود این، ادبیات جدید به ما یادآوری می‌کند که اثربخشی استقلال هیئت‌مدیره همواره خودکار و قطعی نیست. در برخی شرکت‌ها ممکن است استقلال هیئت‌مدیره بیشتر ظاهری باشد تا واقعی و اعضای مستقل در عمل نتوانند نقش نظارتی مؤثری ایفا کنند. همین نکته سبب می‌شود که بررسی تجربی نقش این متغیر ضرورت پیدا کند، زیرا نمی‌توان صرفاً بر مبنای ادعاهای نظری فرض کرد که استقلال هیئت‌مدیره در همه شرایط به‌طور یکسان اثرگذار است (اوگستر و همکاران، ۲۰۲۴؛ رن و همکاران، ۲۰۲۲).

به همین دلیل، یکی از پرسش‌های اساسی این است که آیا استقلال هیئت‌مدیره واقعاً می‌تواند شدت اثر منفی تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد شرکت را کاهش دهد یا خیر. این پرسش هم از نظر نظری مهم است و هم از نظر عملی؛ زیرا اگر پاسخ آن مثبت باشد، آنگاه طراحی ساختار هیئت‌مدیره و تقویت استقلال آن می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مهم در مدیریت ریسک تقلب و کاهش هزینه‌های ناشی از آن در نظر گرفته شود (رن و همکاران، ۲۰۲۲؛ کانلی و همکاران، ۲۰۲۴).

اهمیت عملی این موضوع برای سرمایه‌گذاران نیز قابل توجه است، زیرا سرمایه‌گذاران در زمان ارزیابی شرکت‌ها تنها به عملکرد مالی گذشته توجه نمی‌کنند، بلکه کیفیت حاکمیت شرکتی را نیز به‌عنوان شاخصی از ریسک آینده در نظر می‌گیرند. در نتیجه، اگر استقلال هیئت‌مدیره بتواند اثر منفی تقلب در گزارشگری مالی را تعدیل کند، این متغیر به یک

نشانه کلیدی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و نهادهای ناظر تبدیل می‌شود (الامر و بوله‌گا، ۲۰۲۴؛ کانلی و همکاران، ۲۰۲۴).

از منظر سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری نیز این بحث اهمیت ویژه‌ای دارد. تأکید پژوهش‌های جدید بر سازوکارهای حاکمیت داخلی نشان می‌دهد که نهادهای ناظر برای مقابله با سوءرفتارهای مالی نباید تنها بر مجازات پس از وقوع تخلف تمرکز کنند، بلکه باید کیفیت ساختارهای نظارتی درون‌شرکتی را نیز تقویت نمایند. در این میان، استقلال هیئت‌مدیره می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهای نهادی برای ارتقای سلامت شرکتی و کاهش پیامدهای منفی تقلب در گزارشگری مالی باشد (اوگستر و همکاران، ۲۰۲۴؛ الامر و بوله‌گا، ۲۰۲۴).

ادبیات جدید همچنین نشان می‌دهد که رفتار بازار نسبت به تقلب در گزارشگری مالی، بازتابی از ارزیابی سرمایه‌گذاران نسبت به آینده شرکت است. به عبارت دیگر، وقتی تقلب افشا می‌شود، بازار فقط گذشته شرکت را قضاوت نمی‌کند، بلکه درباره قابلیت بقا، ترمیم و بازگشت شرکت به مسیر عادی نیز داوری می‌کند. در چنین شرایطی، وجود هیئت‌مدیره‌ای مستقل‌تر می‌تواند این انتظار را ایجاد کند که شرکت توان اصلاح ساختارها و بازسازی اعتماد را دارد (کانلی و همکاران، ۲۰۲۴؛ ارراگراگویی و همکاران، ۲۰۲۳).

از این رو، رابطه میان تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد شرکت را باید رابطه‌ای پویا و چندبعدی دانست که تحت تأثیر عوامل حاکمیتی و برداشتی بازار شکل می‌گیرد. این نگاه چندبعدی باعث می‌شود که تمرکز پژوهش از صرف اثبات زیان‌بار بودن تقلب فراتر برود و به این سمت حرکت کند که چه عواملی می‌توانند شدت این زیان را کاهش دهند یا افزایش دهند. استقلال هیئت‌مدیره دقیقاً در همین نقطه به‌عنوان یک متغیر کلیدی مطرح می‌شود (رن و همکاران، ۲۰۲۲؛ کولین و همکاران، ۲۰۲۳).

بنابراین، خلأ اصلی در این حوزه آن است که اگرچه تقلب در گزارشگری مالی به‌عنوان یک عامل تضعیف‌کننده عملکرد شناخته شده است، اما هنوز لازم است روشن‌تر شود که سازوکارهای حاکمیت شرکتی، به‌ویژه استقلال هیئت‌مدیره، چگونه این رابطه را تعدیل می‌کنند. این خلأ از آن جهت مهم است که می‌تواند به توسعه ادبیات حاکمیت شرکتی، نظریه علامت‌دهی و پژوهش‌های مربوط به سوءرفتار مالی کمک کند و در عین حال پیامدهای کاربردی مهمی برای مدیریت شرکت‌ها داشته باشد (رن و همکاران، ۲۰۲۲؛ اوگستر و همکاران، ۲۰۲۴).

بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده، تقلب در گزارشگری مالی یک عامل مخرب برای عملکرد شرکت است و استقلال هیئت‌مدیره می‌تواند به‌عنوان سازوکاری نظارتی و سیگنالی، شدت این اثر منفی را کاهش دهد. به همین دلیل، پرداختن به رابطه میان تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد شرکت، با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کننده استقلال هیئت‌مدیره، هم از نظر علمی موجه است و هم از نظر عملی ضروری. بر همین اساس، در این تحقیق به این موضوع می‌پردازیم که تقلب در گزارشگری مالی چه تأثیری بر عملکرد شرکت دارد؟ و استقلال هیئت‌مدیره چگونه می‌تواند این رابطه را تعدیل کند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تقلب

تقلب از سهل‌انگاری، جهل و خطا به این دلیل متمایز می‌شود که عمدی است و شامل سطحی از محاسبه شده و ماهیت تصادفی ندارد و برنامه ریزی نشده نیز نیست. کسانی که مرتکب تقلب می‌شوند می‌دانند چه می‌کنند و در تلاش‌های خود عمدی هستند. آنها همچنین آگاه هستند که این کار غیراخلاقی، غیرقانونی یا به هر حال نادرست است. در سال‌های اخیر تقلب در شرکت‌ها منجر به هزینه‌های گزاف میلیونی شده است (چیموناکی و همکاران^۱، ۲۰۲۳). تنها در

¹ Chimonaki

آمریکا و انگلستان میزان تقلب های گزارش شده به میلیارد ها دلار رسیده و گفته می شود که این گزارش ها شاید تنها ۱۰ درصد از کل تقلب ها را شامل شده و گویای آن است که موضوع تقلب در شرکت ها مشکلی جدی است. این تقلب ها، به ویژه هنگامی که مدیران و کارکنان ارشد شرکت ها مرتکب آن می شوند، معمول زمانی از تمایان می شود که شرکت ها به طور غیرمنتظره با مشکلات زیادی روبرو شوند (بیل و کینوسیا^۱، ۲۰۲۴). همچنین، تقلب به اقدامات عمدی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث اطلاق می شود که به ارائه نادرست صورت های مالی منجر شود. تقلب ممکن است دربرگیرنده دستکاری، جعل یا تغییر اسناد و مدارک حسابداری یا سایر مدارک به منظور کسب مزایای مالی غیر حق و غیرقانونی، سوء استفاده از دارایی ها یا سرقت آنها، ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آنها از اسناد و مدارک، ثبت معاملات بدون مدارک مثبت یا صوری و استفاده غلط از رویه های حسابداری باشد. علاوه بر این، تقلب دربرگیرنده اقداماتی عمدی بوده و کسی مرتکب آن می شود که از فریب، نیرنگ و حيله گری استفاده کرده است. اینگونه اقدامات را در دو گونه از ظاهرسازی می توان طبقه بندی کرد: اظهار کذب و پوشیده داشتن حقیقت است (آخوند زاده و امامی میبدی، ۱۴۰۳). علاوه، تقلب می تواند به معنای فریب، ریسک دستگیری، تخطی از اعتماد، توجیه عقلی و مواردی از این دست بوده و اقدامات نامناسبی است که به اظهارنظر نادرست اما بااهمیت در صورت های مالی منجر شود. اشکال مختلفی از تقلب از قبیل صورت های مالی متقلبانه، تقلب کارکنان، سوء استفاده از دارایی ها و تقلب های ورشکستگی در حوزه مالی قابل مشاهده بوده و گفته می شود افرادی که موفق به ارتکاب و پنهان کردن تقلب می شوند، همواره با شیوه های حسابرسی که به طور معمول توسط حسابرسان اجرا می شود، آشنایی کاملی دارند. در نهایت، انجمن بازرسی رسمی تقلب ها در آمریکا تقلب را به عنوان کلیه ابزارهای ساخت بشر می داند که از طریق آن مزیتی را نسبت به دیگری توسط توصیه های غلط و اشتباه کسب می کند (غلامی ملک رودی، ۱۴۰۰).

بروز تقلب در صورت های مالی مالی و فعالیت های سازمانی از اساسی ترین موضوعاتی است که در ادبیات حسابداری و مدیریت به آن اشاره شده و محققین مختلف تلاش کردند با ارائه تئوری های رفتاری و سازمانی، انگیزه ها، شرایط و عوامل مؤثر بر بروز تقلب را توضیح دهند (چیمانکی و همکاران^۲، ۲۰۲۳). در ادامه اصلی ترین نظریه های تقلب به شرح زیر ارائه شده است:

۱) نظریه مثلث تقلب

اولین نظریه شناخته شده در حوزه تقلب توسط کرسی^۳ (۱۹۵۳)، ارائه شده و ارائه شد. و تقلب را به عنوان رفتاری انسانی معرفی کرد و بر اساس این نظریه، تعامل سه عامل فشار، فرصت و توجیه باعث شکل گیری رفتار متقلبانه می شود. فشار^۴: انگیزه یا فشار مالی و غیرمالی که فرد را به سمت انجام تقلب سوق می دهد. فشار می تواند شامل نیاز مالی شخصی، دستیابی به اهداف مالی سازمان یا فشار ناشی از حفظ موقعیت شغلی باشد (راموس و وست^۵، ۲۰۰۳؛ آلبرخت و همکاران^۶، ۲۰۰۶).

فرصت^۷: شرایطی که به فرد اجازه می دهد بدون شناسایی یا مجازات، اقدام متقلبانه انجام دهد. ضعف در کنترل های داخلی، نظارت ناکافی مدیران و ضعف حاکمیت شرکتی از عوامل ایجاد فرصت برای تقلب به شمار می رود (ویلسون^۸، ۲۰۱۸).

¹ Bill & Kinuthia
² Chimonaki
³ Cressey
⁴ Pressure
⁵ Ramos & West
⁶ Albrecht et al
⁷ Opportunity
⁸ Wilson

توجیه^۱: فرآیندی ذهنی که فرد از طریق آن رفتار متقلبانه خود را موجه می‌سازد. این توجیه می‌تواند بر اساس باورهای شخصی، فشارهای محیطی یا توجیهات اخلاقی شکل گیرد (چیمانکی و همکاران^۲، ۲۰۲۳).

۲) نظریه لوزی تقلب

وولف و هرمانسون^۳ (۲۰۰۴)، ذ با نقد و توسعه نظریه مثلث تقلب، بعد چهارمی با عنوان توانایی^۴ را اضافه کردند. به باور آنان، وجود فرصت و انگیزه به تنهایی کافی نیست؛ فرد باید توانایی و مهارت لازم برای شناسایی ضعف های سیستم و اجرای تقلب را نیز داشته باشد. بنابراین، چهار عامل اصلی در این نظریه عبارتند از: ۱) فشار، ۲) فرصت، ۳) توجیه و ۴) توانایی بوده و در این دیدگاه، توانایی شامل ویژگی های فردی مانند؛ هوش، موقعیت شغلی، اعتماد به نفس و دانش تخصصی است که فرد را قادر می‌سازد تقلب را با موفقیت انجام دهد.

۳) نظریه پنج ضلعی تقلب

کرو^۵ (۲۰۱۱)، با گسترش مدل های پیشین، نظریه پنج ضلعی تقلب را ارائه کرد. در این نظریه علاوه بر سه عامل مثلث تقلب و عامل توانایی، دو عامل جدید معرفی شدند:

صلاحیت یا شایستگی^۶: توانایی و تجربه فرد در انجام فعالیت های متقلبانه، شامل دانش فنی و مهارت های مرتبط. غرور یا تکبر^۷: ویژگی رفتاری فردی که احساس می‌کند بالاتر از قوانین و مقررات قرار دارد. چنین فردی معتقد است می‌تواند بر سیستم های کنترلی غلبه کند و بدون ترس از پیامدها به منافع شخصی خود برسد. بر اساس این نظریه، پنج عامل فشار، فرصت، توجیه، شایستگی و غرور به‌طور همزمان زمینه بروز تقلب را فراهم می‌کنند.

۴) نظریه شش ضلعی تقلب

جدیدترین مدل در حوزه نظریه های تقلب، توسط ووسیناس ارائه شده است. این نظریه شش عامل مؤثر بر تقلب را شناسایی کرده است:

تحریک یا انگیزه^۸: محرک یا انگیزه ای که فرد را به سمت ارتکاب تقلب سوق می‌دهد، مانند فشار مالی یا اهداف عملکردی.

فرصت^۹: شرایط و ضعف های کنترلی که امکان وقوع تقلب را فراهم می‌کند.

توجیه^{۱۰}: فرایند ذهنی که فرد از طریق آن رفتار خود را مشروع جلوه می‌دهد.

توانایی^{۱۱}: مهارت ها و قابلیت های فرد برای اجرای تقلب.

همدستی^{۱۲}: همکاری دو یا چند نفر برای ارتکاب تقلب و پنهان کردن آن.

خود بزرگ بینی یا نفس^{۱۳}: ویژگی رفتاری فرد که بر پایه خودخواهی و تمایل به کسب منافع شخصی استوار است.

¹ Rationalization

² Chimonaki

³ Wolfe & Hermanson

⁴ Capability

⁵ Crowe

⁶ Competence

⁷ Arrogance

⁸ Stimulus

⁹ Opportunity

¹⁰ Rationalization

¹¹ Capability

¹² Collusion

¹³ Ego

این نظریه جامع ترین مدل تقلب محسوب می شود زیرا علاوه بر ابعاد فردی، به ابعاد جمعی و اجتماعی مانند همدستی نیز توجه دارد (چیمانکی و همکاران^۱، ۲۰۲۳).

مفهوم تقلب در گزارشگری مالی

گزارش های مالی ارائه شده توسط بنگاه های اقتصادی، به عنوان یک منبع اطلاعاتی حاوی اطلاعات سودمند برای تصمیم گیری سرمایه گذاران و اعتباردهندگان در بازارهای مالی است که سابقه فعالیت اقتصادی بنگاه را ارائه می دهد. انباشت این اطلاعات در طول زمان منجر به اضافه بار اطلاعاتی شده و تحلیل این اطلاعات را دشوار می سازد. از سوی دیگر تقلب در ارائه گزارش های مالی به عنوان یک پدیده نامطلوب با تاثیر بر قیمت سهام شرکت، باعث تغییرات غیر منطقی قیمت سهام و ارزش سرمایه سهامداران شده و اعتماد سرمایه گذاران به نظام گزارشگری مالی را خدشه دار می کند. گزارشگری مالی متقلبانه به واسطه گمراه کردن سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و دولت باعث اخلاص در نظام توزیع عادلانه ثروت می شود (احمدی، ۱۳۹۹). در پی تقلب در گزارشگری مالی، منابع اقتصادی محدود به سمت بنگاه های اقتصادی ناموفق هدایت می شوند که نتیجه آن اتلاف منابع است. از این رو کشف و استخراج الگوهای تقلب از بطن گزارش های مالی به کمک علم داده کمک شایانی به استفاده کنندگان از آن می نماید. تقلب در گزارش های مالی زمانی رخ می دهد که اطلاعات مالی به طور عمدی تحریف یا دستکاری شود و هدف آن گمراه کردن سرمایه گذاران، طلبکاران و نهادهای نظارتی باشد. این عمل فریبکارانه، اعتماد ذینفعان به گزارش های مالی یک شرکت را تضعیف می کند و منجر به تصمیمات نادرستی می شود که می تواند پیامدهای مالی شدیدی داشته باشد. شرکت هایی که مرتکب تقلب در صورت های مالی می شوند، می توانند با عواقب قانونی قابل توجهی، به ویژه در موارد گزارشگری مالی متقلبانه، مواجه شوند (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۱).

در تعریفی دیگر، گزارش در صورت های مالی، ارائه نادرست عمدی گزارش های مالی یک شرکت، چه از طریق حذف یا اغراق، برای ایجاد تصور مثبت تر از وضعیت مالی، عملکرد و جریان نقدی شرکت است. تقلب در گزارش های مالی یک جرم یقه سفید است که معمولاً توسط مدیران داخلی برای ارائه تصویری مطلوب تر از وضعیت مالی شرکت انجام می شود. کلاهبرداران با انگیزه های شخصی مانند پاداش مبتنی بر عملکرد، افزایش اعتبار شرکت با گمراه کردن سرمایه گذاران بالقوه یا صرفاً خرید زمان تا زمانی که اشتباهات و زیان های مالی به درستی اصلاح شوند، این کار را انجام می دهند (بزرگ اصل و همکاران، ۱۴۰۰). تقلب در گزارش های مالی یک جرم فرصت طلبانه است. شرکت هایی با کنترل های داخلی سهل انگارانه، سیستم های حسابداری دستی یا رهبران نادرست و بیش از حد تهاجمی، بیشتر احتمال دارد که طعمه شوند (خواجه نصیری و همکاران، ۱۳۹۸). کلید مبارزه با تقلب در گزارش مالی، جلوگیری از وقوع آن بوده و اگر نمی توان از آن جلوگیری کرد، مهم است که در اسرع وقت در شرکت ها شناسایی شود. این جرم که معمولاً توسط مدیریت ارشد انجام می شود، معمولاً وسیله ای برای رسیدن به یک هدف است. انگیزه های ارتکاب تقلب در گزارش های مالی شامل منافع شخصی، حفظ کسب و کار و حفظ جایگاه به عنوان رهبر سازمان است. کلاهبرداران تلاش می کنند تا ارزش درک شده شرکت را افزایش دهند تا سهام را برای سرمایه گذاران جذاب تر جلوه دهند، تأییدیه های بانکی برای وام دریافت کنند یا حقوق و مزایای زیادی را در زمانی که جبران خسارت به عملکرد شرکت مرتبط است، توجیه کنند. صرف نظر از انگیزه، تقلب در گزارش های مالی باعث ایجاد مشکلاتی برای سرمایه گذاران و سهامداران فعلی و بالقوه می شود. این امر می تواند منجر به آسیب های اعتباری در مقیاس بزرگ و همچنین، تحریم های جدی از سوی نهادهای نظارتی شود (خواجه نصیری و همکاران، ۱۳۹۸).

¹ Chimonaki

عملکرد شرکت

دوینی و همکاران (۲۰۰۴)، عملکرد سازمانی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

عملکرد سازمانی عبارت است از معیارهای بیرونی اثربخشی [یک سازمان] که سه حوزه کلی را در برمی‌گیرد:

- ۱) عملکرد مالی (سود، بازده دارایی و بازده سرمایه‌گذاری و...)
- ۲) عملکرد بازار (فروش، سهم بازار و ...)
- ۳) بازده صاحبان سهام (بازده کل صاحبان سهام، ارزش افزوده اقتصادی و...)

طبقه‌بندی شاخص‌های عملکرد سازمانی به طور کلی به نحوه تعریف ما از موفقیت سازمانی نیز برمی‌گردد. این تعریف نیز تا حد زیادی به شیوه عمل سازمان و نحوه تعامل آن با محیط بستگی دارد (دوینی و همکاران، ۲۰۰۴).

در یک طبقه‌بندی، نخست از این لحاظ که ذی‌نفعان بهره‌مند از یک معیار خاص چه کسانی هستند، دوم از نظر چارچوب زمانی که تحت آن معیار مذکور باید اندازه‌گیری شود و سوم نیز از این لحاظ که معیار مورد نظر چگونه اندازه‌گیری می‌شود بر مبنای بازار اندازه‌گیری می‌شود یا داده‌های حسابداری، مالی است یا غیر مالی، ذهنی است یا عینی معیارهای عملکرد سازمانی را طبقه‌بندی کرده‌اند.

از لحاظ نوع ذی‌نفعان اصلی در سازمان، نوع معیارهای عملکرد سازمانی متفاوت است. در سازمان‌های مشاوره‌ای و حقوقی، کارکنان متخصص سازمان مهم‌ترین گروه‌های ذی‌نفع و در شرکت‌های سرمایه‌گذاری صاحبان سرمایه مهم‌ترین آن‌ها هستند. لذا در هر کدام، معیارهای خاصی متناسب با حفظ منافع گروه ذی‌نفع مربوطه جهت حفظ بقای سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد. در مورد صاحبان سرمایه سود خالص و شرکت‌های مشاوره‌ای میزان رضایت مندی کارکنان متخصص سازمان مهم‌ترین معیار عملکرد سازمانی است (دوینی و همکاران، ۲۰۰۴).

در اندازه‌گیری عملکرد سازمانی، صاحبان نظران تفاوت اساسی بین شاخص‌های مبتنی بر بازار و شاخص‌های عملکرد مالی قایل شده‌اند. با وجود اینکه در اغلب موارد بین سهم بازار (یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد بازار) و سودآوری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عملکرد مالی ارتباط معناداری وجود دارد، اما در برخی موارد نظیر شرایط نفوذ در بازار، این ارتباط لزوماً مثبت و معنادار نخواهد بود. بنابراین برخلاف بسیاری پژوهش‌گران که معمولاً تفکیکی بین این دو دسته شاخص قائل نمی‌شوند در جریان ارزیابی عملکرد سازمانی یکی از مهم‌ترین اقداماتی که باید صورت گیرد، تفکیک شاخص‌های مبتنی بر بازار عملکرد از شاخص‌های عملکرد مالی است (دوینی و همکاران ۲۰۰۴).

شاخص‌های کلیدی عملکرد مالی شامل چهار نسبت از نسبت‌های مالی بازده سرمایه در گردش یا بازده دارایی، بازده ارزش ویژه یا بازده حقوق صاحبان سهام، بازده فروش و نسبت هزینه‌های عملیاتی سازمان به درآمدهای عملیاتی آن می‌باشد.

بازده حقوق صاحبان سهام

سود تحصیل شده برای صاحبان یک واحد تجاری، بازده حقوق صاحبان سهام نامیده می‌شود. این نسبت به صورت زیر محاسبه می‌شود:

متوسط حقوق صاحبان سهام / سود خالص = بازده حقوق صاحبان سهام (ROE).

بازده دارایی

دارایی‌های مولد، نقش اساسی در تحصیل سود ایفاء می‌کنند، هر قدر دارایی‌ها با کارایی بیشتری بکار گرفته شوند، واحد تجاری سودآورتر خواهد بود، دارایی‌ها، صرف‌نظر از این که از محل وجوه استقراضی یا سرمایه‌گذاری صاحبان تامین شده باشند، وظایف مربوط را به نحوی یکسان انجام می‌دهند، بنابراین بازده دارایی باید قبل از کسر بهره محاسبه شود.

در صورتی که هزینه بهره کسر نشود هزینه مالیات بر درآمد نیز نباید کسر گردد زیرا مالیات بر اساس سود بعد از کاهش بهره محاسبه می شود. در نتیجه برای سنجش بازده دارائی معمولاً "از سود قبل از بهره و مالیات ۱ استفاده می شود. متوسط کل دارائی ها / سود قبل از بهره و مالیات = بازده دارائی (ROA). این نسبت نشان می دهد که هر یک ریال دارائی موجب تحصیل π ریال سود می شود که از محل آن باید بهره و مالیات پرداخت گردد (فیرفیلد و همکاران، ۲۰۰۹).

بازده فروش

سود حاصل از متوسط درآمد فروش، بازده فروش یا حاشیه سود نامیده می شود که به عنوان درصدی از درآمد فروش خالص به شرح زیر محاسبه می شود.

درآمد فروش خالص / سود خالص = بازده فروش (ROS).

نسبت هزینه های عملیاتی به درآمد عملیاتی

هزینه عبارت است از جریان خروج دارائی ها یا سایر موارد استفاده از دارائی ها یا ایجاد بدهی طی یک دوره که به منظور تولید و تحویل کالا، ارائه خدمات یا انجام سایر فعالیت ها در اجرای عملیات اصلی و مستمر واحد تجاری صورت می گیرد؛ به بیان دیگر هزینه عبارت است از کاهش در دارائی ها یا افزایش ناخالص در بدهی ها که طبق اصول پذیرفته شده حسابداری شناسایی و اندازه گیری می شود و ناشی از آن گروه فعالیت های واحد تجاری است که بتواند حقوق صاحبان سهام (سرمایه) را تغییر دهد هزینه های عملیاتی به مجموع کل هزینه هایی گفته می شود که از محل عملیات شرکت حاصل می شود و همچنین درآمد عملیاتی نیز شامل تمام درآمدهایی است که از محل عملیات شرکت به دست می آید خواه عملیات سرمایه ای خواه غیر سرمایه ای.

درآمدهای عملیاتی / هزینه های عملیاتی = نسبت (OE/OI).

این نسبت که از تقسیم هزینه های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی حاصل می شود معیاری است برای ارزیابی اینکه درآمدهای عملیاتی سازمان چه اندازه از هزینه های آن را پوشش می دهد؛ همچنین این نسبت به عنوان معیاری کلیدی به ویژه در صنعت بانکداری یا در جهت تعیین اینکه چگونه یک سازمان خاص می تواند هزینه های خود را پوشش داده و در نتیجه روش کارایی برای هزینه یابی خود داشته باشد مورد استفاده قرار می گیرد (اوحدی و نیکومرام، ۱۳۸۷).

علاوه بر نسبت های مالی ارائه شده نسبت های دیگری را نیز می توان محاسبه کرد یا نسبت های مشروح را نیز می توان به طرقی متفاوت به دست آورد. در برخی از موارد، محاسبه تعداد کمی از نسبت های مالی برای تصمیم گیری در مورد یک واحد تجاری تکافو می کند اما مهمتر از محاسبه نسبت ها، تفسیر آن ها است تحلیل گران مالی با ارزیابی نسبت های مالی می توانند برای تعیین لزوم بررسی های بیشتر در جنبه های معینی از واحد تجاری تصمیم گیری کنند. تجزیه و تحلیل کلی یک واحد تجاری، اطلاعات بیشتری را در مقایسه با تحلیل یکایک نسبت های مالی فراهم می کند. درک عمیق معانی و ارتباطات بین نسبت های مالی و اقلام مندرج در صورت های مالی نیز ضرورت دارد، به دست آوردن این درک، مستلزم تجربه کافی در تجزیه و تحلیل و تفسیر صورت های مالی است. به علاوه، حتی تحلیل گران با تجربه نیز نمی توانند مهارت های خود را به طور یکسان در مورد کلیه صورت های مالی بکار برند. هر یک از صنایع، ویژگی های خود را دارد که تحلیل گر مالی باید با آن آشنایی داشته باشد و برای یک نفر تحلیل گر امکان ندارد که کلیه صنایع را به طور یکسان درک کند. در برخی از کشورهای صنعتی، موسسات خدماتی وجود دارد که ارقام و اطلاعات مالی شرکت های مختلف را گردآوری و منتشر می کنند، استفاده از ارقام و نسبت های مالی این گونه اطلاعات منتشر شده، به مفسرین صورت های مالی کمک شایانی می کند، اما، این مفسرین باید برای تفسیر صورت های مالی شرکت ها به مهارت، درک و تجربیات خود اتکا نمایند.

¹ Ebiet

مقایسه نسبت‌های مالی یک شرکت معین در چند دوره مالی ممکن است روندهای مهمی را نشان دهد و قابل استفاده‌تر از نسبت‌های محاسبه شده در اطلاعات منتشر شده موسسات خدماتی باشد. علاوه بر تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، مفسرین غالباً از اطلاعات دیگری نیز در مورد شرکت و صنعت مربوط استفاده می‌کنند. سفارش‌های انجام نشده یک شرکت، قرارداد جدید منعقد با دولت یا آزمایش موفقیت‌آمیز یک محصول جدید، ممکن است اثر قابل توجهی بر سودهای آتی شرکت داشته باشد، بنابراین مفسرین به‌طور مداوم در جستجوی اطلاعاتی هستند که همراه با اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی مورد استفاده قرار دهند (ویدوویچ^۱، ۲۰۱۰).

مفسرین صورت‌های مالی، برای دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، به منابع مختلفی مراجعه می‌کنند، اطلاعات درباره قوانین جدید، توسعه تکنولوژی، روابط خارجی و وضعیت اقتصادی کشور ممکن است به بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌های یک شرکت معین مربوط باشد. در صورت لزوم، تحلیل‌گران مستقیماً به شرکت‌های تحت بررسی مراجعه و سؤالاتی را مطرح می‌کنند. مفسرین صورت‌های مالی در ایجاد تغییرات و تحولات حسابداری نیز نقش ایفا می‌کنند. مثلاً در برخی از کشورها صورت تغییرات در وضعیت مالی، قبل از این که توسط تحلیل‌گران مالی مصراً درخواست شود، بخشی الزامی از صورت‌های مالی محسوب نمی‌گردید. در گذشته سازمان‌ها با استفاده از روش‌های سنتی حسابداری قادر بودند تا ارزش و اندازه عوامل تولید خود را به‌طور کامل محاسبه کنند، امروزه این روش‌ها دیگر دارای کارایی لازم نیستند (گتچالک^۲، ۲۰۰۵). این مسئله که امور مالی به عنوان نبض هر سازمان می‌بایست از سلامت و دقت بالایی برخوردار باشد، در واقع در دوره‌های اخیر اهمیت بیشتری یافته است. روش‌ها و فرایندهای ناصحیح مالی و حسابداری و مقررات نسنجیده، مانند قلب نارسای یک بیمار، پیکره سازمان را مریض کرده و ادامه حیات آن را متزلزل می‌سازد. شاخص‌های عملکرد مالی سازمان شامل بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده فروش، نسبت هزینه‌های عملیاتی به درآمدهای عملیاتی می‌باشند. مدیریت مالی نیز از گرایش‌های مدیریت کسب‌وکار می‌باشد که شاخص‌های گوناگونی از جمله نرخ بازگشت سرمایه، نرخ فروش، نرخ بازده حسابداری، ارزش فعلی خالص و نسبت‌های گوناگونی از جمله نسبت جاری، نسبت آبی، نسبت گردش کالا، دوره وصول مطالبات، بازده فروش، بازده ارزش ویژه، بازده دارایی و... را تعریف می‌کند. عملکرد مالی سازمان در این مقوله به چهار نسبت از نسبت‌های نامبرده یعنی؛ بازده سرمایه در گردش یا بازده دارایی^۳، بازده ارزش ویژه یا بازده حقوق صاحبان سهام^۴، بازده فروش^۵ و نسبت هزینه‌های عملیاتی سازمان به درآمدهای عملیاتی آن^۶ اطلاق می‌شود.

یک سازمان زمانی می‌تواند در محیط اطراف خود زنده باشد و زندگی کند که قدرت عرضه یک خروجی ارزشمند به جامعه را داشته باشد. خروجی که جامعه حاضر است در مقابل آن منابع مختلفی نظیر نیروی انسانی، پول، فناوری و به طور کلی پذیرش اجتماعی را به شرکت بدهد. معمولاً اهداف، رسالت‌ها و مأموریت‌های سازمان در این راستا شکل می‌گیرد که بتواند محصول یا خدمتی با کیفیت عالی، به مقدار زیاد و با رعایت استانداردهای خاص به جامعه ارائه کند (خروجی با کیفیت)؛ و برنامه‌های عملیاتی‌تر سازمان جذب منابع از محیط (در مقابل خروجی با کیفیت)؛ و صرف آن‌ها به گونه ای است که به اهداف فوق دست پیدا کند. توانمندی جذب منابع بیشتر از محیط و قدرت ارائه خروجی مفیدتر به محیط را در نظریه سازمان و مدیریت تحت عنوان اثربخشی سازمانی می‌شناسند (هال و همکاران، ۲۰۰۵). حال اگر هدف را به صورت وضع مطلوب سازمان در آینده «تعریف کنیم، اثربخشی سازمان عبارت است از درجه یا میزانی که سازمان به

¹ Vidović, Maja

² Gottschalk

³ Return On Investment (ROI)

⁴ Return On Equity (ROE)

⁵ Return On Sales (ROS)

⁶ Operating Expenses/Operating Incomes (OE/OI)

اهداف مورد نظر خود نایل می‌آید. متغیرهای متعددی وجود دارد که بر مبنای آن میزان دستیابی به اهداف رسمی و عملیاتی سازمان اندازه‌گیری می‌شود.

اگر سازمان به عنوان یک نظام نگاه شود که شامل ورودی (منابع) و پردازش درونی (فرآیندها) و خروجی (کالا و خدمات) است، در این صورت بر مبنای این سه جزء روش های اندازه‌گیری اثربخشی سازمانی نیز متفاوت خواهد بود. اگر مبنای اثربخشی خروجی سازمان باشد، روش اندازه‌گیری اثربخشی، روش مبتنی بر هدف است. در این روش معمولاً به جنبه محصول یا تولید سازمان توجه می‌شود و اینکه آیا سازمان به سطح تولید خاص رسیده است یا نه؟ اگر در اندازه‌گیری اثربخشی منابع و ورودی های سازمان مورد توجه قرار گیرد، روش مبتنی بر تأمین منابع مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش بیشتر به نقطه آغاز فرآیند تولید سازمان توجه می‌شود و اینکه آیا سازمان برای ارائه عملکرد خوب توانسته است منابع لازم را به صورتی مؤثر تأمین کند؟ و در نهایت زمانی که به فرآیند کاری و فعالیت‌های درون سازمان توجه می‌شود، معمولاً از روش مبتنی بر فرآیند درونی جهت سنجش اثربخشی استفاده می‌شود. در این روش بیشتر به فرآیندهای درون سازمان توجه می‌شود و با استفاده از شاخص‌های کارایی و سلامت درون سازمان، اثربخشی سازمان اندازه‌گیری می‌شود. در روش مبتنی بر هدف، معمولاً گروه های مختلف ذی‌نفع سازمان مورد توجه واقع می‌شوند و انتظاری که هر گروه از سازمان دارد، مبنای تعیین اهداف سازمانی، شاخص‌های اثربخشی سازمانی و عملکرد سازمانی می‌باشد. به عنوان مثال، سهامداران شرکت انتظار دارند سازمان سود بیشتری داشته باشد، رشد بیشتری بکند، سهم بازار بالاتری به خود اختصاص دهد و ثبات مالی بهتری را به نمایش بگذارد. جامعه و دولت بیشتر انتظار دارد که سازمان مسئولیت اجتماعی بیشتری بپذیرد. کارکنان معمولاً به دنبال رفاه بیشتر پرسنل و مشتریان به دنبال کیفیت بیشتر و بهتر محصول و تنوع بخشیدن به تولیدات هستند. مدیران نیز به عنوان یکی از گروه های ذی‌نفع در سازمان به توسعه مدیریت، حفظ منابع، کارایی و پژوهش و توسعه می‌اندیشند. صاحب‌نظران بین عملکرد سازمانی و اثربخشی سازمانی تفاوت‌هایی قایل هستند. برخی معتقدند عملکرد سازمانی خاص‌تر از مفهوم اثربخشی سازمانی است. به عبارت دیگر عملکرد سازمانی بعد خارجی متغیر اثربخشی سازمانی را شامل می‌شود در حالی که اثربخشی سازمانی علاوه بر عوامل خارجی عوامل داخلی را نیز در برمی‌گیرد (دوینی و همکاران، ۲۰۰۴). عملکرد سازمانی یکی از مهم‌ترین سازه های مورد بحث در پژوهش‌های مدیریتی است و بدون شک مهم‌ترین معیار سنجش موفقیت در شرکتهای تجاری به حساب می‌آید. به هر حال عملکرد سازمانی عوامل زیادی را بر تنوع گروه های ذی‌نفع شامل می‌شود و ضریب اهمیت هر یک از عوامل مذکور تا حد زیادی وابسته به نوع و ویژگی‌های محیطی است که شرکت در آن فعالیت می‌کند ولی به طور کلی در مورد اینکه متغیرها و شاخص‌های عملکرد سازمانی کدامند، هنوز توافق نظر کاملی در بین صاحب‌نظران وجود ندارد. آنچه مطرح است، شرکتهای برای اینکه بتوانند ضریب اهمیت شاخص‌های مختلف عملکرد سازمانی را تعیین کنند بیشتر باید به شرکتهای موفق در صنعت تحت فعالیت خود نگاه کنند و آن‌ها را الگوی کار خود قرار دهند. عقیده بر آن است که عملکرد سازمانی معمولاً آخرین متغیر وابسته‌ای است که در مطالعات مدیریتی مورد توجه قرار می‌گیرد. در حوزه مالی ارتقای شاخص‌های سودآوری و بازده، در بازاریابی ارتقای رضایت مشتری و در حوزه مدیریت عملیات، بهره‌وری و کاهش هزینه عملیات، عمده اهدافی است که در کلیه مطالعات مدیریتی دنبال می‌شود. این عوامل عمدتاً شاخص‌ها و ابعاد عملکرد سازمانی را نشان می‌دهد که در ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت سازمان مورد توجه خاص قرار دارد. اهمیتی که عملکرد سازمانی در مطالعات دانشگاهی و حوزه‌های کاربردی نظیر پاداش های مدیریتی و بقای سازمان‌ها دارد، باعث شده است کسب شناخت کافی از این سازه و چگونگی اندازه‌گیری آن و درک عواملی که می‌تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد از اهمیت خاصی برخوردار شود (ری، ۲۰۰۸).

پیشینه پژوهش

آگتردنوس (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر تقلب شرکتی بر عملکرد شرکت: نقش تعدیلگر استقلال هیئت‌مدیره» به بررسی اثر تقلب شرکتی بر عملکرد شرکت‌ها با تأکید بر نقش استقلال هیئت‌مدیره پرداخت. وی از روش مطالعه رویداد و رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) برای سنجش واکنش بازار سهام به اعلان‌های تقلب استفاده کرد. نتایج نشان داد که تقلب شرکتی با بازده غیرعادی انباشته منفی و معنادار همراه است و به‌عنوان یک علامت منفی حاکمیتی، واکنش منفی سرمایه‌گذاران را به دنبال دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد شرکت‌هایی که از هیئت‌مدیره مستقل‌تری برخوردارند، در مواجهه با اعلان تقلب، واکنش منفی ضعیف‌تری را در بازار تجربه می‌کنند. در نهایت، نتایج حاکی از آن بود که استقلال هیئت‌مدیره می‌تواند اثر منفی تقلب شرکتی بر عملکرد کوتاه‌مدت شرکت را تعدیل و تضعیف کند.

کامبوکا و همکاران (۲۰۲۵)، در تحقیقی «نقش اندازه شرکت را بر تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر تقلب گزارشگری مالی» را بررسی نمودند. نمونه‌ای از ۳۳ شرکت را در بازه زمانی ۲۰۱۲ الی ۲۰۲۳ بررسی کردند. نتایج نشان داد که تنوع جنسیتی و تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر منفی بر تقلب گزارشگری مالی دارد. با این حال، اندازه کمیته حسابرسی و تعداد جلسات تأثیر مثبتی داشتند. در نهایت، نتایج نشان داد که اندازه شرکت، رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تقلب گزارشگری مالی را تعدیل می‌کند.

بیل و کینوسیا (۲۰۲۴)، در تحقیقی «اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی را بر گزارشگری مالی متقلبان در بورس کنیا» انجام دادند. در این تحقیق از طرح تحقیق توضیحی و طرح تحقیق طولی استفاده شد که در آن داده‌های پانل ثانویه از طریق تحلیل محتوا از صورت‌های مالی حسابرسی شده از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱ به دست آمد. یافته‌ها نشان داد، ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تنوع جنسیتی، اندازه کمیته حسابرسی، تخصص مالی کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی به طور قابل توجهی بر گزارشگری مالی متقلبان در بین شرکت‌های بورسی در کنیا تأثیر می‌گذارد.

هیکال و همکاران (۲۰۲۴)، تأثیر «ویژگی‌های کمیته حسابرسی، نوع اظهار نظر حسابرس و اندازه شرکت را بر گزارشگری مالی متقلبان» بررسی کردند. نمونه آماری شامل ۲۵ شرکت در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۲۲ بود. نتایج نشان داد، استقلال کمیته حسابرسی تأثیر منفی بر گزارشگری مالی متقلبان دارد، تخصص مالی کمیته حسابرسی هیچ تأثیری بر گزارشگری مالی متقلبان ندارد، فراوانی جلسات کمیته حسابرسی تأثیر مثبتی بر گزارشگری مالی متقلبان دارد، کمیته‌های حسابرسی تأثیر منفی بر گزارشگری مالی متقلبان دارند و اندازه شرکت تأثیر منفی بر گزارشگری مالی متقلبان دارد.

پوروانی و همکاران (۲۰۲۴)، تأثیر «تأثیر تقلب الماس، کمیته حسابرسی و اهرم مالی بر تقلب در گزارش‌های مالی» بررسی کردند. این تحقیق با هدف توضیح تأثیر تقلب الماس، کمیته‌های حسابرسی و اهرم مالی بر گزارش‌های مالی متقلبان در بین ۱۴۴ شرکت‌های مالی فهرست شده در بورس اوراق بهادار اندونزی در دوره ۲۰۱۹-۲۰۲۲ انجام شده است. داده‌های مورد استفاده، داده‌های ثانویه به دست آمده از گزارش‌های مالی هستند. داده‌های به دست آمده با استفاده از تکنیک‌های تحلیل رگرسیون لجستیک با کمک نرم افزار ایووژ پردازش شده و نتایج این تحقیق نشان داد که، الماس‌های تقلب هیچ تأثیری بر تقلب در گزارش‌های مالی ندارند، در حالی که کمیته‌های حسابرسی تأثیر منفی و اهرم مالی تأثیر مثبتی بر رویه تقلب در گزارش‌های مالی در اندونزی دارند. نتایج این تحقیق نشان داد که، یک کمیته حسابرسی بهینه، وقوع تقلب در گزارش‌های مالی شرکت را به حداقل می‌رساند.

درستی (۱۴۰۴)، در زمینه «مطالعه اثر مالی سازی بر تقلب در گزارشگری مالی از طریق اندازه شرکت و اثربخشی کنترل داخلی» پژوهشی انجام داد. این پژوهش به بررسی تأثیر مالی سازی بر تقلب در گزارشگری مالی با نقش تعدیلی اندازه شرکت و اثربخشی کنترل داخلی پرداخته است. جامعه آماری غربال شده شامل ۱۵۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران طی یک دوره ۱۱ ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ است. داده های مورد نیاز این شرکت ها از صورت های مالی حسابرسی شده، گزارش حسابرس و گزارش های سالانه که در سایت کدال هستند، گردآوری شده و با تکنیک های اقتصادسنجی، تحلیل رگرسیون چند متغیره و نرم افزار ایویوز تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که، مالی سازی تاثیر مثبت و معناداری بر تقلب مالی دارد، یعنی با افزایش تقلب مالی در شرکت ها همراه است. همچنین، این تاثیر مثبت در شرکت های کوچک تر نسبت به میانگین صنعت، تقویت می شود. با این حال، اثربخشی کنترل داخلی، این تاثیر مثبت را تضعیف می کند.

برزگر عباسپور و همکاران (۱۴۰۲)، در زمینه «تأثیر ویژگی های حسابرس و ساختار هیئت مدیره بر احتمال وقوع تقلب در صورت های مالی شرکت های تجاری» پژوهشی انجام دادند. هدف از این تحقیق، مطالعه اثربخشی عوامل درون سازمانی (ساختار هیئت مدیره) و برون سازمانی (ویژگی های حسابرس) بر احتمال وقوع تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. برای این منظور از داده های ۱۶۰ شرکت منتخب استفاده شده است. تحلیل داده ها با استفاده از روش رگرسیونی داده های تابلویی با رویکرد لاجیت انجام شد. نتایج مشخص کرد که، عوامل درون سازمانی مورد بررسی در این پژوهش بر احتمال وقوع تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذار بوده است. همچنین، مشاهده می شود که عوامل برون سازمانی (ویژگی های حسابرس) نیز بر احتمال وقوع تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثرگذاری معنادار داشته است.

عنوانی (۱۴۰۲)، در زمینه «مطالعه ارتباط بین لحن گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری مالی با اثر تعدیلی اندازه شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پژوهشی انجام دادند. هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین لحن گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد. البته با توجه به تئوری نمایندگی، اثر متغیر تعدیلی اندازه شرکت بر رابطه بین لحن گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری مالی نیز، مورد بررسی قرار گرفت. روش: جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ می باشد. جهت تحلیل داده ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. نتایج مشخص کرد که، بین لحن منفی گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چقدر در گزارشگری مالی از لحن و واژه های منفی بیشتری استفاده شود، کیفیت گزارشگری مالی ضعیف تر می گردد. و همچنین مشخص شد، اندازه شرکت، اثر تعدیلی افزایش بر رابطه لحن گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری مالی دارد.

بندریان و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی «نقش تعاملی تخصص حسابرس بر رابطه بین معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و گزارشگری مالی متقلبانه در بورس اوراق بهادار تهران» طی بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ با استفاده از اطلاعات ۱۱۸ شرکت پرداخته اند. نتایج پژوهش که با استفاده از رگرسیون لاجیت تخمین زده شد نشان داد معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته از طریق اعطای اعتبار غیرعادی و فروش غیرعادی باعث افزایش گزارشگری مالی متقلبانه می شود. همچنین تخصص حسابرس در صنعت شدت رابطه مثبت بین معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش داده و باعث تعدیل رابطه مذکور می شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث رویکرد روش شناختی، در چارچوب مطالعات کمی و مبتنی بر تحلیل داده های ثانویه طبقه بندی شده است. هدف آن، بررسی روابط علی و تعاملی میان عملکرد مالی و میزان بروز تقلب در گزارشگری مالی با در نظر

گرفتن نقش تعدیل گر استقلال هیئت مدیره است. این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی و از منظر زمان اجرای تحلیل، در رده تحقیقات پس رویدادی قرار دارد، چراکه داده ها از رخدادهای مالی واقعی و مستندات تاریخی استخراج می شوند، بی آنکه مداخله ای از سوی پژوهشگر صورت پذیرد.

جامعه آماری این پژوهش، در برگیرنده کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. نمونه مورد استفاده نیز از طریق روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری انتخاب شد (مراجعه به پیوست الف)، برای این منظور ۵ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و مابقی حذف شدند.

۱- شرکت قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و تا پایان سال ۱۴۰۳ در بورس فعال باشند.

۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ سال مالی و نوع فعالیت خود را تغییر نداده باشند.

۳- به لحاظ ساختار گزارشگری جداگانه ای که شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی (لیزینگ ها و بیمه ها و هلدینگ ها و بانک ها و موسسات مالی) دارند از نمونه حذف شدند.

۴- شرکت ها وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشند.

۵- اطلاعات مالی آنها در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ در دسترس باشد.

با توجه به معیارها فوق نمونه نهایی پژوهش شامل ۱۰۵ شرکت و ۱۰۵۰ مشاهده (۱۰*۱۰۵) است.

فرضیه های پژوهش

بین تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.

استقلال هیأت مدیره رابطه بین تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت را تعدیل می نماید.

متغیرها و نحوه آزمون فرضیه های پژوهش

متغیر وابسته : عملکرد مالی شرکت (ROA)

در این پژوهش برای اندازه گیری عملکرد مالی شرکت از نرخ بازده داراییها استفاده شده است که از نسبت سود پس از کسر مالیات بر کل داراییها در پایان دوه مالی محاسبه میشود.

متغیر مستقل: تقلب در گزارشگری مالی (FScore)

در تعریف مفهومی، تقلب در گزارشگری مالی شامل بیش از اندازه نشان دادن دارایی ها، درآمدها و سودها و یا کمتر از واقع نشان دادن بدهی ها، هزینه ها، زیان ها و دستکاری صورت های مالی است (یزدانی و همکاران، ۱۴۰۰). جهت

محاسبه تقلب در گزارشگری مالی و با استناد به پژوهش داخلی امیر معزی و همکاران (۱۴۰۳)، از مدل تقلب در

گزارشگری مالی (F-Score) دیچو و همکاران (۲۰۱۱)، جهت محاسبه استفاده شد.

در گام نخست، مقدار خطی پیش بینی تقلب (value) با استفاده از ضرایب برآورد شده توسط دیچو و همکاران (۲۰۱۱)، طبق فرمول زیر محاسبه شده است؛

معادله شماره (۱-۳)

$$\begin{aligned} Value = & -7.893 + 0.790 \times RSST + 2.518 \times \Delta REC + 1.191 \Delta INV + 1.979 \\ & \times SOFTASSETS + 0.171 \times \Delta CASHSALES - 0.932 \times \Delta ROA + 1.029 \\ & \times ISSUE \end{aligned}$$

در گام دوم، پس از محاسبه پیش بینی تقلب (value)، این مقدار با استفاده از تابع لجستیک به احتمال پیش بینی شده تقلب (e^{value}) تبدیل شد.

براین اساس، F-Score برپایه فرمول احتمال پیش بینی تقلب ($(1 + e^{value}) / e^{value}$) بر احتمال غیرشرطی اشتباه تقلب (۰/۰۰۳۷) تقسیم می شود تا امتیاز نهایی (F-Score) به دست آید.

معادله شماره (۲-۳)

$$F - Score = \frac{e^{Value}}{1 + e^{Value}} * \frac{1}{0.0037}$$

بر اساس پژوهش دیچاو و همکاران (۲۰۱۱)، و با استناد به پژوهش (امیرمعزی و همکاران، ۱۴۰۳):

شاخص F تا ۱۰۰ به این معنی است که، شرکت دارای ریسک پایین تقلب

شاخص F بیشتر از ۱۰۰ به این معنی است که، شرکت دارای ریسک بالای گزارشگری مالی متقلبانه است.

که در آن:

اقدام تعهدی تعدیل شده (RSST)

برابر است با مجموع تغییرات در دارایی های جاری به غیر از وجه نقد، تغییرات در بدهی های جاری به غیر از بدهی های کوتاه مدت و استهلاک بوده و همچنین، در آن، تغییراتی در دارایی عملیاتی بلند مدت و بدهی های عملیاتی بلند مدت ارائه شده است (امیر معزی و همکاران، ۱۴۰۳).

تغییرات حساب های دریافتنی (ΔRec)

تغییرات حساب های دریافتنی برابر است با تفاوت مانده حساب های دریافتنی شرکت در پایان سال جاری نسبت به پایان سال گذشته که براساس کل دارایی ها مقیاس بندی می شود. تغییرات بزرگ در حساب های دریافتنی جریان های نقدی جعلی ناشی از فعالیت های عملیاتی انجام می شود (دجو و همکاران، ۲۰۱۱؛ امیر معزی و همکاران، ۱۴۰۳).

تغییرات موجودی کالا (ΔInv)

تغییرات در موجودی کالا، به عنوان تفاوت موجودی کالای امسال (t) نسبت به سال گذشته (t-1) است که با میانگین کل دارایی های مقیاس بندی می شود. تغییرات بزرگ در موجودی کالا می تواند نشان دهنده مازاد موجودی، کمبود، منسوخ شدن یا انحلال باشد. برای مثال، اگر یک شرکت در دوره افزایش قیمت ها از شیوه اولین بار برای اولین بار (LIFO) حسابداری موجودی کالا استفاده کند، فروش موجودی قدیمی منجر به کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته می شود، به این معنی که، انحلال واحدهای موجودی یا لایه های موجودی (LIFO) (امیر معزی و همکاران، ۱۴۰۳).

دارایی های نامشهود عملیاتی (SoftAssets)

دارایی های نامشهود عملیاتی برابر است با کل دارایی ها منهای مجموع اموال و پول نقد و معادل وجه نقد (با کل دارایی ها مقیاس بندی می شود). وقتی دارایی های نامشهود در صورت های مالی (ترازنامه) زیاد است، مدیران توانایی بیشتری در تغییر و تعدیل فرضیات برای تأثیرگذاری بر سود کوتاه مدت دارند (امیر معزی و همکاران، ۱۴۰۳).

تغییرات فروش نقدی ($\Delta CashSales$)

تغییرات فروش نقدی به معنای درصد تغییر در فروش نقدی سال گذشته نسبت به سال جاری است. برای شرکتی که دستکاری در درآمد ندارد، می توان نرخ رشد فروش نقدی را با نرخ رشد درآمد مقایسه کرد. با این حال، دجو و همکاران

(۲۰۱۱)، استدلال کردند که، تنها تغییر در فروش نقدی معیار اصلی جهت کنترل به هنگام ارزیابی پتانسیل دستیابی به دستکاری است (امیر معزی و همکاران، ۱۴۰۳).

تغییرات بازده دارایی ها (ΔROA)

تغییر در بازده دارایی ها عبارتند از: درصدی که به عنوان سود تقسیم بر کل دارایی های امسال (t) نسبت به دارایی های سال گذشته (t-1) به دست می آید. سود ناپایدار ممکن است شاخص دستکاری سود باشد. طبق نظر دچو و همکاران (۲۰۱۱)، وجه مشترک شرکت های دارای دستکاری این است که عملکردی قوی قبل از دستکاری نشان داده اند. علت چنین دستکاری ممکن است کاهش فعلی عملکردی باشد که تیم مدیریت با دستکاری در گزارشگری مالی سعی در پوشاندن آن دارد. (امیرمعزی و همکاران، ۱۴۰۳).

انتشار اوراق (Issue):

یک متغیر دو وجهی (صفر و یک) است که در صورت انتشار اوراق بهادار اضافی در سال دستکاری (۱) و در صورت عدم انتشار چنین اوراق بهاداری (۰) است. چنین امری ممکن است مشکلات جریان نقدینگی عملیاتی را نشان داده که باید با تأمین مالی اضافی جبران شود. علاوه بر انتشار اوراق بهادار ممکن است نشانگر این باشد که مدیریت در حال استفاده از گزینه های تأمین مالی است. اعمال گزینه اوراق بهادار می تواند بیانگر این باشد که مدیران در حال تلاش برای فروش آنها در قیمت بالا هستند چرا که عملکرد آینده شرکت را ناچیز پیش بینی می کنند (امیر معزی و همکاران، ۱۴۰۳).

متغیر تعدیلگر: استقلال هیئت مدیره (BIND)

این متغیر از نسبت اعضای هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره اندازه گیری می شود.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (FSize): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی ها در پایان دوره مالی
اندازه هیئت مدیره (Bsize): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد کل اعضای هیئت مدیره
سن شرکت (AGE): برابر است با لگاریتم طبیعی دوره فعالیت شرکت از زمان پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران
اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت کل بدهی به کل دارایی های شرکت در پایان دوره مالی
برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل زیر استفاده میشود:

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 FScore_{it} + \beta_2 BIND_{it} + \beta_3 BIND * Fscore_{it} + \beta_4 FSize_{it} + \beta_5 Bsize_{it} + \beta_6 Age_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \mu_{it}$$

یافته های پژوهش

جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل تحقیق را نشان می دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می باشد. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی، نظیر بیشینه، کمینه، میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی نظیر انحراف معیار، چولگی و کشیدگی است. در این جدول تعداد مشاهدات برای هر متغیر برابر با ۱۰۵۰ مشاهده است.

جدول (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تقلب در گزارشگری مالی (FScore)	۰,۲۴۴	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۴۳۰	۱,۱۹۳	۲,۴۲۴
عملکرد مالی (ROA)	۰,۱۵۶	۰,۱۳۱	۰,۶۷۳	-۰,۵۸۱	۰,۱۵۱	۰,۲۹۱	۴,۴۰۵
استقلال هیئت مدیره (BIND)	۰,۶۶۱	۰,۶۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۱۸۵	-۰,۲۶۴	۳,۳۷۶
اندازه شرکت (FSize)	۱۵,۴۴۷	۱۵,۲۸۴	۲۲,۲۱۷	۱۱,۱۹۸	۱,۷۴۰	۰,۶۸۸	۳,۸۳۳

اندازه هیئت مدیره (BSize)	۱,۶۱۴	۱,۶۰۹	۱,۹۴۶	۱,۳۸۶	۰,۰۳۹	۶,۸۵۱	۶۱,۰۷۱
سن شرکت (Age)	۳,۰۳۹	۳,۰۴۵	۳,۸۷۱	۱,۹۴۶	۰,۳۱۱	-۰,۳۰۸	۳,۸۱۱
اهرم مالی (LEV)	۰,۵۳۹	۰,۵۳۷	۱,۸۲۵	۰,۰۵۵	۰,۲۱۲	۰,۵۴۷	۴,۹۴۲

با توجه به نتایج جدول (۱)، میانگین عملکرد مالی شرکت‌ها برابر با ۰,۱۵۶ و میانگین تقلب در گزارشگری مالی برابر با ۰,۲۴۴ است. همچنین میانگین استقلال هیئت مدیره ۰,۶۶۱ به دست آمده که نشان می‌دهد به طور متوسط حدود ۶۶ درصد اعضای هیئت مدیره شرکت‌های نمونه را اعضای مستقل تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر، میانگین اهرم مالی برابر با ۰,۵۳۹ است که بیانگر آن است که بیش از نیمی از دارایی‌های شرکت‌ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است.

آزمون مانایی متغیرهای مدل اصلی تحقیق

به منظور اطمینان از نتایج تحقیق و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنی‌دار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای تحقیق در مدل گردید. آزمون مزبور با استفاده از نرم‌افزار EViews و روش آزمون لوین، لین و چو انجام شد. در آزمون ریشه واحد، فرضیه صفر بیانگر وجود ریشه واحد بوده و در صورتی که احتمال جدول کوچک‌تر از ۰,۰۵ باشد، فرضیه صفر رد می‌شود.

جدول (۲): نتایج آزمون مانایی متغیرهای مربوط به مدل اصلی تحقیق

متغیر	آماره Levin, Lin & Chu	احتمال
تقلب در گزارشگری مالی (FScore)	-۱۲,۴۴	۰,۰۰۰
عملکرد مالی (ROA)	-۱۸,۹۱	۰,۰۰۰
استقلال هیئت مدیره (BIND)	-۹,۷۶	۰,۰۰۰
اندازه شرکت (FSize)	-۷,۸۸	۰,۰۰۰
اندازه هیئت مدیره (BSize)	-۱۱,۳۵	۰,۰۰۰
سن شرکت (Age)	-۱۰,۰۴	۰,۰۰۰
اهرم مالی (LEV)	-۲۱,۶۲	۰,۰۰۰

همان‌طور که در نتایج جدول (۲) مشاهده می‌شود، احتمال محاسبه شده برای کلیه متغیرها کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد؛ به این معنی که کلیه متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مانا هستند.

آزمون همخطی متغیرهای مستقل

جدول (۳) نتایج آزمون همخطی میان متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. این جدول بیانگر ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مدل است.

جدول (۳): ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیر	FScore	BIND	FSize	BSize	Age	LEV
FScore	۱					
BIND	-۰,۰۴۸	۱				
FSize	۰,۱۵۳	-۰,۱۱۵	۱			
BSize	-۰,۰۳۷	۰,۰۷۵	۰,۰۳۲	۱		
Age	۰,۰۲۴	-۰,۱۰۵	۰,۲۹۱	۰,۰۲۳	۱	
LEV	۰,۱۸۷	-۰,۱۹۰	-۰,۰۷۰	-۰,۱۱۳	-۰,۰۶۶	۱

با توجه به نتایج جدول (۳)، هیچ یک از ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل به حدی زیاد نیست که مشکل همخطی شدید میان متغیرها را نشان دهد. بیشترین ضریب همبستگی مشاهده شده نیز کمتر از آستانه های بحرانی متداول است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مستقل مدل، همخطی معناداری وجود ندارد و متغیرها قابلیت ورود همزمان به مدل رگرسیونی را دارند.

آزمون اف لیمر و هاسمن مدل تحقیق

برای تعیین نوع الگوی مناسب برآورد، ابتدا از آزمون اف لیمر استفاده شد. جدول (۴) نتایج این آزمون را نشان می دهد.

جدول (۴): نتایج آزمون اف لیمر مدل تحقیق

نتیجه آزمون	P-Value	مقدار	آماره
Panel	۰,۰۰۰	۷,۴۴۳	section F-Cross
تأیید داده های تابلویی	۰,۰۰۰	۶۳۱,۲۸۸	square-section Chi-Cross

با توجه به اینکه مقدار احتمال آزمون اف لیمر کمتر از ۰,۰۰۵ است، فرضیه صفر مبنی بر مناسب بودن روش داده های تلفیقی رد می شود؛ بنابراین برای برآورد مدل، استفاده از داده های پانلی توجیه پذیر است. در ادامه، برای انتخاب بین الگوی اثرات ثابت و اثرات تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون هاسمن مدل تحقیق

نتیجه آزمون	P-Value	مقدار	آماره
اثرات ثابت (FE)	۰,۰۰۰	۳۸,۲۴۰	Cross-section Random

با توجه به اینکه مقدار احتمال آزمون هاسمن کمتر از ۰,۰۰۵ است، فرضیه صفر رد می شود و در نتیجه الگوی مناسب برای برآورد مدل، الگوی اثرات ثابت است.

نتایج برآورد مدل تحقیق

پس از تعیین نوع الگوی مناسب، مدل تحقیق با استفاده از روش EGLS و اثرات ثابت برآورد شد. جدول (۶) نتایج برآورد مدل را نشان می دهد.

جدول (۶): نتایج آزمون مدل تحقیق

متغیر	ضریب برآورد شده	آماره t	P-value
عرض از مبدأ (C)	۰,۰۳۳	۰,۱۹۶	۰,۸۴۴
تقلب در گزارشگری مالی (FScore)	-۰,۰۰۴	-۲,۲۰۹	۰,۰۳۵
استقلال هیئت مدیره (BIND)	-۰,۰۳۶	-۲,۹۳۲	۰,۰۵۴
تقلب در گزارشگری مالی * استقلال هیئت مدیره (FScore*BIND)	۰,۰۶۱	۲,۲۲۸	۰,۰۲۶
اندازه شرکت (FSize)	-۰,۰۲۲	-۴,۳۰۱	۰,۰۰۰
اندازه هیئت مدیره (BSize)	-۰,۰۰۸	-۰,۸۵۲	۰,۳۹۴
سن شرکت (Age)	۰,۲۷۱	۷,۸۲۶	۰,۰۰۰
اهرم مالی (LEV)	-۰,۴۱۱	-۲۲,۷۶۷	۰,۰۰۰
ضریب تعیین (R2): ۰,۷۴۶			
ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R2): ۰,۷۱۶			

آماره دوربین-واتسون (DW): ۱,۷۳
آماره F: ۲۴,۸۲۴
احتمال آماره F: ۰,۰۰۰

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که بین تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت رابطه معناداری وجود دارد. نتایج برآورد مدل رگرسیونی نشان می‌دهد ضریب متغیر تقلب در گزارشگری مالی (FScore) برابر با $-۰,۰۰۰۴$ و آماره t آن برابر با $-۰,۲۰۹$ است. همچنین مقدار احتمال این متغیر برابر با $۰,۰۰۳۵$ بوده که کوچکتر از سطح خطای $۰,۰۰۵$ است؛ بنابراین اثر تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد مالی شرکت‌ها از نظر آماری منفی و معنادار است. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد و علامت ضریب منفی بیانگر رابطه معکوس میان تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت‌هاست.

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که استقلال هیئت‌مدیره رابطه بین تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت را تعدیل می‌نماید. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد ضریب متغیر تعاملی FScore*BIND برابر با $۰,۰۰۶۱$ و آماره t آن برابر با $۲,۲۲۸$ است. همچنین مقدار احتمال این متغیر برابر با $۰,۰۰۲۶$ بوده که کمتر از $۰,۰۰۵$ است؛ بنابراین نقش تعدیل‌گر استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت از نظر آماری معنادار است. در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد. مثبت بودن ضریب متغیر تعاملی نشان می‌دهد که استقلال بیشتر هیئت‌مدیره می‌تواند شدت اثر منفی تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد شرکت را کاهش دهد و تا حدودی نقش حفاظتی در برابر پیامدهای نامطلوب آن ایفا نماید.

در خصوص متغیرهای کنترلی نیز نتایج نشان می‌دهد که اندازه شرکت (FSize) دارای ضریب منفی و معنادار، سن شرکت (Age) دارای ضریب مثبت و معنادار، و اهرم مالی (LEV) دارای ضریب منفی و معنادار است. با این حال، اندازه هیئت‌مدیره (BSize) تأثیر معناداری بر عملکرد مالی شرکت نداشته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های با سابقه‌تر، عملکرد مالی بهتری دارند، در حالی که افزایش اهرم مالی و نیز افزایش اندازه شرکت در نمونه مورد بررسی با کاهش عملکرد مالی همراه بوده است.

با توجه به نتایج مندرج در جدول بالا، ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل برابر با $۰,۷۱۶$ است؛ این بدان معناست که مدل حاضر قادر است $۷۱,۶$ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی عملکرد مالی شرکت، را توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین نماید که نشان‌دهنده قدرت تبیین مناسب مدل است. همچنین، احتمال آماره F برابر با $۰,۰۰۰۰$ و کمتر از سطح خطای ۵ درصد است؛ در نتیجه می‌توان گفت مدل رگرسیونی در سطح کلان از معناداری آماری برخوردار است. مقدار آماره دوربین-واتسون نیز برابر با $۱,۷۳$ است که نشان می‌دهد خودهمبستگی شدید در جملات خطا مشاهده نمی‌شود.

آزمون همسان بودن واریانس خطا

یکی از پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون، ثابت بودن واریانس جملات خطاست. در این پژوهش برای رفع ناهمسانی واریانس از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (EGLS) استفاده شده است. با این حال، برای اطمینان از نتایج حاصل، آزمون‌های بارتلت، لون و براون-فورسایت نیز مورد استفاده قرار گرفت. جدول (۷) نتایج حاصل از این آزمون‌ها را نشان می‌دهد.

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس در مدل تحقیق

روش	مقدار	احتمال
Bartlett	۷,۷۳۱	۰,۰۵۲
Levene	۲,۱۸۲	۰,۰۸۹

Brown-Forsythe	۱۰۷۳۷	۰۰۱۵۸
----------------	-------	-------

از آنجا که مقدار احتمال آزمون بارتلت برابر با ۰۰۰۵۲، آزمون لون برابر با ۰۰۰۸۹ و آزمون براون-فورسایت برابر با ۰۰۱۵۸ است و در همه موارد از سطح خطای ۰۰۰۵ بزرگتر می‌باشد، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس‌ها رد نمی‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مشکل جدی ناهمسانی واریانس در مدل مشاهده نمی‌شود و برآوردهای مدل از قابلیت اتکای مناسبی برخوردارند.

آزمون نرمال بودن جملات خطا در مدل‌ها

یکی از متداول‌ترین آزمون‌های به کار رفته به منظور نرمالیتی، آزمون جاک-برا (Jarque- Bera) یا به اختصار BJ می‌باشد. آماره آزمون از یک توزیع χ^2 با درجه آزادی ۲ با فرض صفری مبنی بر نرمالیتی توزیع خطاها، تبعیت می‌کند. در صورتیکه پسماندها به صورت نرمال توزیع شده باشند، هیستوگرام باید به صورت زنگوله‌ای بوده و آماره BJ معنی دار نخواهد بود. این بدین معنی است که p-value داده شده در پایین صفحه مربوط به آزمون نرمالیتی باید بزرگتر از ۰/۰۵ باشد تا فرضیه صفر نرمالیتی در سطح ۵٪ رد نشود. جدول زیر نتایج حاصل از آزمون نرمالیت پسماند مدل را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه p-value برای تمامی مدل بزرگتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن جملات خطا در مدل مذکور پذیرفته می‌شود.

جدول (۸): نتایج حاصل از بررسی نرمال بودن باقیمانده‌های مدل‌های تحقیق

آزمون	مقدار	احتمال
Jarque-Bera	۷/۸۴	۰/۰۹

نتیجه‌گیری و بحث

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بررسی نقش تعدیل‌کننده استقلال هیئت‌مدیره در این رابطه بود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که تقلب در گزارشگری مالی تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد مالی شرکت‌ها دارد. به بیان دیگر، هرچه احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی شرکت‌ها افزایش یابد، عملکرد مالی آن‌ها که با شاخص بازده دارایی‌ها (ROA) اندازه‌گیری شده است، کاهش خواهد یافت. همچنین، نتایج نشان داد که استقلال هیئت‌مدیره نقش تعدیل‌کننده معناداری در این رابطه ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که در شرکت‌هایی که از هیئت‌مدیره مستقل‌تری برخوردار هستند، شدت اثر منفی تقلب در گزارشگری مالی بر عملکرد مالی کاهش می‌یابد. این یافته بیانگر آن است که استقلال هیئت‌مدیره می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حاکمیت شرکتی، بخشی از پیامدهای منفی ناشی از تقلب در گزارشگری مالی را کنترل کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان را تا حدی حفظ نماید.

نتایج این پژوهش را می‌توان در چارچوب نظریه نمایندگی، نظریه علامت‌دهی و نظریه حاکمیت شرکتی تبیین کرد. بر اساس نظریه نمایندگی، مدیران ممکن است به دلیل تضاد منافع با سهامداران، انگیزه دستکاری اطلاعات مالی و ارائه تصویری مطلوب‌تر از وضعیت واقعی شرکت را داشته باشند. این رفتار اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت برخی منافع مدیریتی را تأمین کند، اما پس از آشکار شدن، موجب کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران، افزایش هزینه‌های نمایندگی، افت اعتبار شرکت و در نهایت کاهش عملکرد مالی می‌شود. همچنین، بر اساس نظریه علامت‌دهی، افشای تقلب در گزارشگری مالی به عنوان یک علامت منفی برای بازار تلقی می‌شود و نشان‌دهنده ضعف در کنترل‌های داخلی، شفافیت اطلاعاتی و کیفیت راهبری شرکت است. در نتیجه، سرمایه‌گذاران با افزایش ریسک ادراک‌شده، ارزش شرکت را کاهش داده و واکنش منفی نسبت به سهام آن نشان می‌دهند. از سوی دیگر، نظریه حاکمیت شرکتی بیان می‌کند که استقلال

هیئت‌مدیره با تقویت نظارت بر مدیریت، افزایش پاسخگویی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، می‌تواند آثار منفی ناشی از تقلب در گزارشگری مالی را تعدیل کند. بنابراین، هرچه استقلال هیئت‌مدیره بیشتر باشد، بازار نسبت به توانایی شرکت در اصلاح ضعف‌های نظارتی و بازسازی اعتماد خوش‌بین‌تر خواهد بود و در نتیجه شدت کاهش عملکرد مالی کمتر خواهد شد.

نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش آگتردنبوس (۲۰۲۴)، همسو است که نشان داد افشای تقلب شرکتی موجب واکنش منفی بازار سرمایه شده و استقلال هیئت‌مدیره شدت این واکنش منفی را کاهش می‌دهد. همچنین، یافته‌های این پژوهش با نتایج بیل و کینوسیا (۲۰۲۴)، و هیکال و همکاران (۲۰۲۴)، نیز همخوانی دارد که نشان دادند سازوکارهای نظارتی از جمله استقلال کمیته حسابرسی و کیفیت حاکمیت شرکتی، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش داده و موجب ارتقای کیفیت گزارشگری مالی می‌شوند. افزون بر این، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های برزگر عباسپور و همکاران (۱۴۰۲)، نیز همسو است که نشان دادند ساختار هیئت‌مدیره و ویژگی‌های حسابرس نقش مهمی در کاهش احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی دارند. همچنین، یافته‌های این تحقیق با پژوهش درستی (۱۴۰۴)، نیز سازگار است که بیان می‌کند اثربخشی کنترل‌های داخلی می‌تواند آثار منفی عوامل ایجادکننده تقلب را تضعیف کند. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر شواهد تجربی جدیدی در بازار سرمایه ایران ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد تقلب در گزارشگری مالی نه تنها موجب کاهش عملکرد مالی شرکت‌ها می‌شود، بلکه وجود هیئت‌مدیره مستقل می‌تواند از شدت این پیامدهای منفی بکاهد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، مدیران شرکت‌ها باید از هرگونه دستکاری اطلاعات مالی و ارائه گزارش‌های مالی گمراه‌کننده اجتناب کرده و با تقویت نظام کنترل‌های داخلی، افزایش شفافیت اطلاعاتی و بهبود کیفیت گزارشگری مالی، زمینه افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران را فراهم کنند. همچنین، سهامداران و نهادهای ناظر می‌توانند با تأکید بر حضور اعضای مستقل و غیرموظف در هیئت‌مدیره، نقش نظارتی این نهاد را تقویت کرده و احتمال وقوع رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را کاهش دهند. از سوی دیگر، سازمان بورس، تدوین‌کنندگان استانداردهای حاکمیت شرکتی و سایر نهادهای قانون‌گذار می‌توانند با بازنگری در الزامات مربوط به استقلال هیئت‌مدیره، ارتقای نظام راهبری شرکتی و توسعه سازوکارهای نظارتی، زمینه کاهش تقلب در گزارشگری مالی و افزایش اعتماد عمومی به بازار سرمایه را فراهم آورند. همچنین، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی نیز در ارزیابی شرکت‌ها، علاوه بر شاخص‌های سنتی عملکرد مالی، لازم است شاخص‌های مرتبط با کیفیت حاکمیت شرکتی، احتمال تقلب و میزان استقلال هیئت‌مدیره را نیز در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری مدنظر قرار دهند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، علاوه بر شاخص‌های حسابداری، از معیارهای بازارمحور نظیر ارزش شرکت، نسبت کیوتوبین (Tobin's Q)، بازده سهام و ارزش افزوده اقتصادی برای سنجش عملکرد مالی استفاده شود تا ابعاد مختلف عملکرد شرکت به‌طور جامع‌تری ارزیابی گردد. همچنین، بررسی نقش متغیرهای تعدیل‌کننده دیگری مانند کیفیت حسابرسی، تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره، تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، کیفیت کنترل‌های داخلی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ویژگی‌های مدیرعامل در رابطه بین تقلب در گزارشگری مالی و عملکرد مالی شرکت‌ها می‌تواند به تبیین دقیق‌تر این رابطه کمک کند. افزون بر این، بهره‌گیری از روش‌های نوین هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و تحلیل متن در شناسایی تقلب در گزارشگری مالی و انجام پژوهش‌های مشابه در صنایع مختلف و سایر بازارهای سرمایه، می‌تواند موجب افزایش دقت، قابلیت تعمیم و غنای نتایج پژوهش‌های آینده شود.

منابع

- ✓ برزگر عباسپور، کسری، اسلامی مفسد آبادی، حسین، ابراهیمی شقاقی، مرضیه، (۱۴۰۲)، تأثیر ویژگی های حسابرسان و ساختار هیئت مدیره بر احتمال وقوع تقلب در صورت های مالی شرکت های تجاری، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۲، شماره ۷، صص ۱۱۵-۱۴۵.
- ✓ بزرگ اصل، موسی، بهشور، اسحاق، احمدی پاک، فرشته، (۱۴۰۰)، خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی با تأکید بر نقش حسابرسان و کمیته حسابرسی، دانش حسابداری، شماره ۴۵، صص ۱۵۵-۱۳۹.
- ✓ بندریان، امیرعلی، امامی ده چشمه، سعید، کارگرپور، خاطره، (۱۴۰۱)، بررسی نقش تعاملی تخصص حسابرسان بر رابطه بین معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته و گزارشگری مالی متقلبان، مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی، شماره ۵، صص ۱۳۸-۱۶۳.
- ✓ درستی، حسین، (۱۴۰۴)، مطالعه اثر مالی سازی بر تقلب در گزارشگری مالی از طریق اندازه شرکت و اثربخشی کنترل داخلی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حسابداری مالی، دانشگاه ارومیه.
- ✓ عنوانی، جمیله، (۱۴۰۲)، مطالعه ارتباط بین لحن گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری مالی با اثر تعدیلی اندازه شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حسابداری، موسسه آموزش عالی شاندیز، مشهد.
- ✓ Agrawal, A., & Chadha, S. (2005). Corporate governance and accounting scandals. *Journal of Law and Economics*, 48(2), 371–406. <https://doi.org/10.1086/430808>
- ✓ Agrawal, A., Jaffe, J. F., & Karpoff, J. M. (1999). Management turnover and governance changes following the revelation of fraud. *The Journal of Law & Economics*, 42(S1), 309–342. <https://doi.org/10.1086/467427>
- ✓ Albrecht, W. S., Howe, K. R., & Romney, M. B. (1984). Detering fraud: The internal auditor's perspective. Institute of Internal Auditors Research Foundation.
- ✓ Almaqtari, F. A., Farhan, N. H. S., Al-Hattami, H. M., & Elsheikh, T. (2022). The moderation role of board independence change in the relationship between board characteristics, related party transactions, and financial performance. *PLOS ONE*, 17(12), 1–38. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0279159>
- ✓ Armstrong, C. S., Core, J. E., & Guay, W. R. (2014). Do independent directors cause improvements in firm transparency? *Journal of Financial Economics*, 113(3), 383–403. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2014.05.009>
- ✓ Beasley, M. S. (1996). An empirical analysis of the relation between board of director composition and financial statement fraud. *The Accounting Review*, 71(4), 443–465.
- ✓ Connelly, B. L., Certo, S. T., Ireland, R. D., & Reutzel, C. R. (2011). Signaling theory: A review and assessment. *Journal of Management*, 37(1), 39–67. <https://doi.org/10.1177/0149206310388419>
- ✓ Connelly, B. L., Certo, R. D., Reutzel, C. R., DesJardine, M. R., & Zhou, Y. S. (2024). Signaling theory: State of the theory and its future. *Journal of Management*, 51(1), 24–61. <https://doi.org/10.1177/01492063241268459>
- ✓ Cressey, D. R. (1950). The criminal violation of financial trust. *American Sociological Review*, 15(6), 738–743. <https://doi.org/10.2307/2086606>
- ✓ Cressey, D. R. (1953). Other people's money: The social psychology of embezzlement. Free Press.
- ✓ Desai, N. (2020). Understanding the theoretical underpinnings of corporate fraud. *Vikalpa: The Journal for Decision Makers*, 45(1), 25–31. <https://doi.org/10.1177/0256090920917789>

- ✓ Dyck, A., Morse, A., & Zingales, L. (2023). How pervasive is corporate fraud? Review of Accounting Studies, 29(1), 736–769. <https://doi.org/10.1007/s11142-022-09738-5>
- ✓ Eugster, N., Kowalewski, O., & Spiewanowski, P. (2024). Internal governance mechanisms and corporate misconduct. International Review of Financial Analysis, 92, Article 103109. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2024.103109>
- ✓ Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. The Journal of Law and Economics, 26(2), 301–325. <https://doi.org/10.1086/467037>
- ✓ Farber, D. B. (2005). Restoring trust after fraud: Does corporate governance matter? The Accounting Review, 80(2), 539–561. <https://doi.org/10.2308/accr.2005.80.2.539>
- ✓ Freeman, R. E. (1984). Strategic management: A stakeholder approach. Pitman.
- ✓ Goh, B. W., Lee, J., Ng, J., & Ow Yong, K. (2014). The effect of board independence on information asymmetry. European Accounting Review, 25(1), 155–182. <https://doi.org/10.1080/09638180.2014.990477>
- ✓ Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. The American Economic Review, 76(2), 323–329.
- ✓ Jia, C., Ding, S., Li, Y., & Wu, Z. (2009). Fraud, enforcement action, and the role of corporate governance: Evidence from China. Journal of Business Ethics, 90, 561–576. <https://doi.org/10.1007/s10551-009-0061-9>
- ✓ Karpoff, J. M., Lee, D. S., & Martin, G. S. (2008a). The cost to firms of cooking the books. Journal of Financial and Quantitative Analysis, 43(3), 581–611. <https://doi.org/10.1017/S0022109000004221>
- ✓ Karpoff, J. M., Lee, D. S., & Martin, G. S. (2008b). The consequences to managers for financial misrepresentation. Journal of Financial Economics, 88(2), 193–215. <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2007.06.003>
- ✓ Paruchuri, S., Hoempler, E. A., Cowen, A. P., Cannella, A. A., & Nahm, P. I. (2024). Governance failure and governance under failure: Reviewing the role of directors in organizational misconduct. Journal of Management, 50(6), 2237–2265. <https://doi.org/10.1177/01492063231225420>
- ✓ Rashid, M. A., Al-Mamun, A., Roudaki, H., & Yasser, Q. R. (2022). An overview of corporate fraud and its prevention approach. Australasian Accounting, Business and Finance Journal, 16(1), 101–118. <https://doi.org/10.14453/aabfj.v16i1.7>
- ✓ Spence, M. (1974). Market signaling: Informational transfer in hiring and related screening processes. Harvard University Press.
- ✓ Spence, M. (2002). Signaling in retrospect and the informational structure of markets. American Economic Review, 92(3), 434–459. <https://doi.org/10.1257/00028280260136200>
- ✓ Syed Fuzi, S. F., Abdul Halim, S. A., & Julizaerma, M. K. (2016). Board independence and firm performance. Procedia Economics and Finance, 37, 460–465. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(16\)30152-6](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(16)30152-6)
- ✓ Velte, P. (2023). The link between corporate governance and corporate financial misconduct: A review of archival studies and implications for future research. Management Review Quarterly, 73, 353–411. <https://doi.org/10.1007/s11301-021-00244-7>
- ✓ Wolfe, D. T., & Hermanson, D. R. (2004). The fraud diamond: Considering the four elements of fraud. The CPA Journal, 74(12), 38–42.
- ✓ Zahra, S. A., Priem, R. L., & Rasheed, A. A. (2005). The antecedents and consequences of top management fraud. Journal of Management, 31(6), 803–828. <https://doi.org/10.1177/0149206305279598>
- ✓ Ziorklui, J. E. K., Ampofo, F. O., Nyonyoh, N., & Antwi, B. O. (2024). Effectiveness of internal controls mechanisms in preventing and detecting fraud. Finance & Accounting Research Journal, 6(7), 1259–1274. <https://doi.org/10.51594/farj.v6i7.1322>